

بازتاب مشارکت اجتماعی در بوستان سعدی

علی گراوند*

علی محمد سهراب‌نژاد**، یارمحمد قاسمی***

چکیده

«سرمایه اجتماعی» از مفاهیم مهم جامعه‌شناسی است و در سایر علوم نیز به آن توجه شده، روابط اجتماعی اساس این رویکرد است و از آن به عنوان سرمایه‌ای در کنار سایر انواع سرمایه (انسانی، مادی، فیزیکی و غیره) نام می‌برند. سرمایه‌ی اجتماعی سه مؤلفه هنجارگرایی، اعتماد و مشارکت دارد. مبانی و اصول این نظریه در نظر اندیشمندان قدیم وجود داشته؛ از جمله سعدی بواسطه‌ی سفرهای متعدد و نشست و برخاست با افراد مختلف، با زیر و بم زندگی جوامع عصر خویش آشنایی داشته و برای رسیدن به جامعه آرمانی نظریه‌ای جامع دارد که در بوستان آمده است. بوستان اثری تعلیمی - اخلاقی است و این پژوهش برای آشنایی با نظر اجتماعی سعدی، مؤلفه مشارکت را در بوستان به شیوه‌ی اسنادی همراه با تحلیل محتوا بررسی نموده و نشان داده که جایگاه بسامدی مؤلفه مشارکت در بوستان بعد از هنجارگرایی و اعتماد قرار دارد. از بین شاخص‌های آن، مشارکت اجتماعی بالاترین بسامد را داشته و از نظر نوع مشارکت، مشارکت برون‌سویه که نشانه روابط عاطفی جامعه مطلوب سعدی است، دارای بیشترین فراوانی است و بعد از آن مشارکت درون سویه قرار می‌گیرد. مشارکت بر اساس تقسیم کار - مشارکت تخصصی - دارای بسامد صفر بوده است و این یافته با ویژگی‌های جامعه تمایز نیافته عصر سعدی همخوانی دارد.

کلیدواژه‌ها: سعدی، بوستان، جامعه‌شناسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)، a.garavand@ilam.ac.ir.

** دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، sohrabnejad2014@gmail.com

*** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام، Ym_ghasemi 2004@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۹

۱. مقدمه

مطالعه دربارهٔ وضعیت اجتماعی و روابط اجتماعی یکی از کانونی‌ترین موضوعات در علم جامعه‌شناسی است. در این میان تاریخ و دورنمای این روابط با تأکید بر مشارکت و اشکال مختلف آن مهم است، در این خصوص مطالعهٔ تاریخ اجتماعی و اسناد مرتبط با حیات اجتماعی می‌تواند راهگشا باشد. عنصر مشارکت به عنوان یکی از مؤلفه‌های پیش‌برندهٔ توسعه امروزه مورد توجه اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است؛ ادبیات می‌تواند در این زمینه چشم اندازهای مؤثری در اختیار ما بگذارد؛ بنابراین مطالعهٔ مشارکت از منظر ادبیات می‌تواند به شناسایی گونه و پنداشت‌ها دربارهٔ انواع آن کمک کند. مشارکت در زندگی اجتماعی علاوه بر اهمیت اقتصادی آن از نظر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز دستاوردهایی به دنبال دارد که عبارتند از: «سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و باز گشودن فرصت‌های پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه خواهد بود و حاصل آن تسهیل و شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت نمودن، نیرومند ساختن ناتوانان و درهم شکستن فرهنگ سکوت خواهد بود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۲). پاتنام در مورد رابطهٔ مشارکت و اعتماد به یک رابطهٔ خطی معتقد نیست؛ بلکه به رابطهٔ متقابل این عوامل توجه دارد. «اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز، متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری‌جویانه‌ی کارآمد، مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص است؛ اما آن مهارت و این اعتماد نیز، به نوبه‌ی خود به وسیله‌ی همکاری سازمان یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی به رفاه اقتصادی - اجتماعی کمک می‌کنند و به نوبه‌ی خود نیز توسط این رفاه تقویت می‌شوند» (زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱: ۵۴). در جامعهٔ ایران از دیر باز مشارکت به صور گوناگون وجود داشته است. بوستان سعدی یکی از آثار فاخر ادبی ملت ماست که به عنوان میراثی ماندگار در طول قرون و اعصار در میان اقشار مختلف مردم این سرزمین در کنار گلستان برای تعلیم و تربیت نسل‌های مختلف کارساز بوده و نقش بسیار مهمی در ارتقای کیفی زندگی اجتماعی ایرانیان داشته است. سعدی در این کتاب ارزشمند که اثری تعلیمی - اخلاقی است از جامعه‌ی آرمانی خویش یا به اصطلاح «مدینه‌ی فاضله‌اش» سخن گفته و حکایت کرده‌است؛ بنابراین از طریق مطالعه‌ی بوستان سعدی می‌توان بخشی از ویژگی‌های سرمایهٔ اجتماعی

(Social Capital) از جمله مشارکت اجتماعی را به عنوان یکی از شاخص‌های متمایز کننده‌ی جامعه‌ی ایرانی در آن مقطع تاریخی مطالعه نمود.

سعدی از آن‌جا که با جوامع مختلف در طی سفرهای متعدد آشنا شده و از نحوه‌ی زندگی و تعامل افراد این جوامع و فرهنگ و آداب و رسوم آنان آگاهی کسب نموده به عنوان جامعه‌نگاری که به ظرافت‌های فرهنگی، اجتماعی و ادبی توجه داشته، با علم به واقعیت‌ها به بیان نظر خویش درباره‌ی مناسبات و روابط اجتماعی و همزیستی افراد در جامعه‌ی ایده‌آل خویش در کتاب بوستان پرداخته‌است. یکی از مفاهیم کلیدی در آثار سعدی سرمایه‌ی اجتماعی است که شاخص اصلی آن مشارکت اجتماعی می‌باشد. این پژوهش به دنبال آن است تا بررسی نماید که «مشارکت» (Participation) به عنوان یکی از سه مؤلفه‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی در بوستان چه بازتابی دارد؟ و سیر نمود انواع و شاخص‌های مشارکت در بوستان چگونه است؟

۲. اهداف تحقیق

۱.۲. هدف کلی

- بررسی بازتاب مشارکت اجتماعی در بوستان سعدی.

۲.۲. اهداف فرعی

- بررسی بازتاب مشارکت در سطح همراهی در بوستان سعدی.
- بررسی بازتاب مشارکت در امور مذهبی در بوستان سعدی.
- بررسی بازتاب مشارکت سازماندهی شده در بوستان سعدی.
- بررسی بازتاب مشارکت بر اساس تقسیم کار در بوستان سعدی.
- بررسی بازتاب مشارکت درون سویه در بوستان سعدی.
- بررسی بازتاب مشارکت برون سویه در بوستان سعدی.
- بررسی بازتاب مشارکت اجباری در بوستان سعدی.
- بررسی بازتاب مشارکت مشورتی در بوستان سعدی.
- بررسی بازتاب مشارکت ابزاری در بوستان سعدی.

۳. ادبیات تحقیق

پیشینه‌ی مطالعات مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی در ادبیات فارسی چندان زیاد نیست؛ زیرا این مفهوم جامعه‌شناسی اندک زمانی است که وارد حوزه‌ی مطالعات ادبی شده و اهل تحقیق براساس این نظریه به تجزیه و تحلیل متون ادبی پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال لیلا رکابدار در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در داستان‌نامه‌ی بهمنیاری» با طرح موضوع در ضرب‌المثل‌های کتاب، به بررسی ابعاد گوناگون سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته‌است. وی از میان ۶۰۱۶ مثل موجود در کتاب، ۳۴۲ مثل را دارای مؤلفه‌های یادشده دانسته که از میان انواع مشارکت، مشارکت برون سویه، بیشترین بسامد را داشته است (رکابدار، ۱۳۹۰). ارسلان احمدی انارمرزی «در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد «مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصر خسرو» را بررسی نموده‌است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بازتاب عناصر منفی و ضد سرمایه‌ی اجتماعی بر عناصر مثبت غلبه دارد (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰) و «محسن خلیلی» در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی در تاریخ بیهقی» به بررسی سرمایه و ضدسرمایه‌ی اجتماعی در تاریخ بیهقی پرداخته و روند زوال سرمایه‌ی اجتماعی، وضعیت نخبگان، نقش عوام و زدوبندهای دربار را مورد توجه قرار داده است (خلیلی، ۱۳۸۷). همچنین حمیدرضا مشایخی و ارسلان احمدی نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقدسرمایه‌ی اجتماعی و ضدسرمایه‌ی اجتماعی در شعرداروگ و آی‌آدم‌های نیما و سرود باران بدر شاکرسیاب» به مقایسه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در آثار فوق پرداخته‌اند (مشایخی و احمدی، ۱۳۹۰). علی نصر اصفهانی و همکارانش نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان» (با رویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی) با تبیین عوامل سرمایه‌ی اجتماعی و سازمانی در سازمان‌های خدماتی دولتی اصفهان، عوامل و شاخص‌های مورد نظر را با تکیه بر آموزه‌های سعدی و اکاوی نموده‌اند (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۰). مرتضی محسنی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت اجتماعی در ضرب‌المثل‌های داستان‌نامه‌ی بهمنیاری» به بررسی موضوع مشارکت اجتماعی در امثال بهمنیاری پرداخته و با بررسی انواع مشارکت، «مشارکت برون‌سویه» را دارای بیشترین بسامد دانسته‌است (محسنی، ۱۳۹۲). ملاحظه می‌گردد، در بین آثار ذکرشده و در حدود جستجوی نگارنده بجز مقاله‌ی آقای مرتضی محسنی و همکاران، کسی تاکنون به بررسی مؤلفه‌ی مشارکت اجتماعی در آثار ادبی نپرداخته‌است و اثر فوق در حوزه‌ی

پژوهش‌های ادب عامیانه تدوین گردیده؛ اما در این نوشتار کاری تازه، کامل و همه جانبه و در عین حال با توجه به دیدگاه‌های سعدی، ارائه می‌گردد که بسیار ضروری و حائز اهمیت است؛ البته این مقاله بخشی از مطالعه گسترده‌ای است که تحت عنوان «بازتاب سرمایه‌ی اجتماعی در گلستان و بوستان سعدی» به عنوان رساله‌ی دکتری انجام شده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

از آن‌جا که سرمایه‌ی اجتماعی سبب کاهش هزینه‌ها و بالا رفتن بهره‌وری می‌شود، نیاز واقعی دنیای امروز است. این رویکرد را اولین بار «لیدا. جی. هانیفان» (Lyda. j. Hanifan) مطرح کرد؛ اما پیشرفت مفهوم آن مرهون زحمات نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسانی چون «جیمز کلمن» (James Coleman) (1990)، «پیر بوردیو» (Bourdieu Pier) (1986)، «فرانسیس فوکویاما» (Francis Fukuyama) (2000) و «رابرت پاتنام» (Robert Putna) (1993) است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۹: ۲۲۳). هر جامعه، برای زندگی بهتر، نیاز به سرمایه‌های مختلفی چون «سرمایه‌ی فیزیکی» (Capital Physical)، «سرمایه‌ی مالی» (Economic Capital)، «سرمایه‌ی انسانی» (Human Capital)، «سرمایه‌ی فرهنگی» (Cultural Capital) و «سرمایه‌ی نمادین» (Symbolic Capital) دارد. در کنار این سرمایه‌ها سرمایه‌ی دیگری وجود دارد که ارزش و اهمیت آن از بسیاری از سرمایه‌های فوق بیشتر می‌باشد و آن «سرمایه‌ی اجتماعی» است که ناظر بر منافع موجود در تعاملات اجتماعی برای گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کنش‌گران اجتماعی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۲).

توجه به مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، بسیار متنوع و متفاوت است. هرکس بر طبق دیدگاه خاص خود به تعریف آن پرداخته که همین امر باعث اختلاف در تعریف و تبیین مؤلفه‌های آن شده است. چنانکه پیش‌تر اشاره شد، بوردیو، فوکویاما، کلمن و پاتنام در پیشرفت مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی نقش مهمی داشته‌اند که در این میان آرای کلمن، بوردیو و فوکویاما بیشتر مبتنی بر منافع فردی است؛ در حالی که دیدگاه پاتنام بر منافع جمعی تکیه دارد (جاوید و ایزدی، ۱۳۸۹: ۴)؛ به عبارتی پاتنام مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را گسترش داد و آن را برای کارکردها در سطح جامعه منبع دانست و با این کار در واقع بر جنبه‌ی مثبت سرمایه‌ی اجتماعی تأکید نمود (متفکر آزاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

در بین صاحب‌نظران سرمایه‌ی اجتماعی پاتنام سرشناس‌ترین فرد است. سرمایه‌ی اجتماعی از نظر او به معنی «ویژگی‌هایی از سازمان‌های اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد

است که عمل و همکاری برای رسیدن به سود متقابل را تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۹: ۹۵). سرمایه‌های اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی را افزایش می‌دهد. ذخایر سرمایه‌ی اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها خود ضامن حسن اجرای خود هستند» (تاج‌بخش، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۹۵).

از نظر پاتنام «سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد- یعنی شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی همکاری متقابل و اعتماد که از این شبکه‌ها برمی‌خیزد مربوط است که همکاری و هماهنگی را برای منافع اجتماعی تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱). وی دو نوع سرمایه اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند: «سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زن» (Bridging social Capital) (در برگیرنده) و «سرمایه‌ی اجتماعی میثاقی» (Bonding social Capita) (مانع شونده از دخول دیگران) (فیلد، ۱۳۸۵: ۵۰). «پاتنام سپس به بیان تفاوت‌های دو نوع اصلی سرمایه اجتماعی می‌پردازد. سرمایه اجتماعی میثاقی تمایل به ممانعت از دخول دیگران (غیرخودی‌ها) دارد و مایل است که همگنی را حفظ نماید، در حالی که سرمایه اجتماعی پل‌زن به گرد هم آوردن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی تمایل دارد» (همان: ۵۰). او همچنین برای سرمایه‌ی اجتماعی سه مؤلفه را در نظر می‌گیرد، الف) شبکه‌های مشارکت (Participiation network)، ب) هنجارهای معامله متقابل و همیاری، ج) اعتماد (Trust) (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۴). پاتنام بعد از مشخص کردن مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی، و ارائه تعاریف از آن برای سرمایه‌ی اجتماعی اشکال زیر قائل است. ۱- سرمایه اجتماعی رسمی و غیررسمی (Formal and informal Social Capital)؛ ۲- سرمایه اجتماعی عمقی و سطحی (Thick and Thin Social Capital) - سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود) در مقابل برون‌گروهی (اتصال). او به طور تام و کامل سرمایه‌ی اجتماعی را مفید نمی‌داند و سویی‌ی تاریک سرمایه اجتماعی (Dark Side of Social Capital) را نمایان می‌سازد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۱). از نظر پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی زمانی که ارتباط و تعامل جمعی باشد، شکل می‌گیرد و وقتی که انحصاری شد، دیگر سرمایه‌ی اجتماعی نیست. «سرمایه‌ی اجتماعی به‌طور معمول یک کالای عمومی است. بر خلاف سرمایه‌ی متعارف که به‌طور معمول یک کالای خصوصی است. سرمایه‌ی اجتماعی مانند یکی از ویژگی‌های ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار دارد، در مالکیت خصوصی هیچ یک از افرادی که از آن منتفع می‌شوند، نمی‌باشد» (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۹۳). چارچوب مفهومی این تحقیق، بر مبنای نظر پاتنام است و رویکرد آن براساس دیدگاهی است که بر توجّه به شرایط زمان و مکان

در ابراز نظر تأکید می‌کند. از دیدگاه صاحب‌نظران، سرمایه‌ی اجتماعی دارای دو بعد ساختاری و شناختی است. بعد ساختاری (نهادی)؛ به جنبه‌های عینی‌تر، ملموس‌تر و قابل‌رؤیت‌تر مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی از قبیل نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم برمی‌گردد و بیشتر حالت سخت افزاری دارد و شامل سازمان‌های رسمی و غیررسمی است و سبب ایجاد رابطه‌ی عمودی و افقی در جامعه می‌شود و بعد شناختی به جنبه‌های ذهنی و نرم‌افزاری سرمایه‌ی اجتماعی نظیر هنجارها، ارزش‌ها، باورها و معامله‌های متقابل و شاخص‌تر از همه اعتماد اجتماعی اشاره دارد (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰: ۳۳).

سرمایه‌ی اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان بررسی می‌شود. در سطح خرد منافع مورد نظر است که فرد به سبب عضویت در گروه و بهره‌برداری از سرمایه‌ی اجتماعی به دست می‌آورد (فیروزآبادی و سیدحسین ایمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). در سطح میانی در واقع سرمایه‌ی اجتماعی در روابط و هنجارهای اجتماعی بین گروه‌هایی که کار مشارکتی می‌کنند، وجود دارد، حکومت سیاسی، نظام‌های حقوقی و... سطح کلان شامل روابط قراردادی و ساختاری نهادهای کلان مانند دستگاه حقوقی و قضایی می‌گردد (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰: ۳۵). در این سطح، سرمایه‌ی اجتماعی شامل رسمی‌ترین روابط و ساختارهای نهادی می‌شود.

سرمایه‌ی اجتماعی از نظر پاتنام دارای سه مؤلفه‌ی اصلی هنجارگرایی، اعتماد و مشارکت است که هر کدام دارای شاخص‌های خاص خود هستند. اعتماد «واژه Trust در فرهنگ اکسفورد به عنوان اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته توصیف می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۰: ۳۷). درون‌مایه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی اعتماد است و اعتماد باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش نتایج می‌شود.

هنجار (Norm) یک هنجار در واقع یکی از معیارهای تثبیت شده‌ی آن چیزی است که گروه از نظر فکری و رفتاری از اعضایش، انتظار دارد. این چشم‌داشت‌ها و رفتارهای ناشی از آنها از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (کوئن، ۱۳۷۰: ۴۷).

مشارکت در لغت در معانی «شریک شدن؛ شرکت؛ همکاری» آمده است (انوری، ۱۳۹۳: ۱۱۴۷ ذیل مشارکت). در اصطلاح «فرایند سازمان یافته‌ای است که افراد جامعه آگاهانه، داوطلبانه و جمعی و با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص انجام می‌دهند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۶). مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان یافته‌ای دانست

که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که به سهم شدن در منابع قدرت منجر می‌شود تعریف کرد (زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱: ۵۹). مشارکت نوعی عمل جمعی است. «مشارکت یکی از بنیادی‌ترین کنش‌های متقابل افراد است که در شکل دادن گروه‌ها و سازمان اجتماعی نقش شیرازه و اساسی ایفا می‌کند» (محسنی، ۱۳۹۲: ۹۹). اگر جامعه‌ای دارای مشارکت اجتماعی باشد، در واقع دارای سرمایه‌ی اجتماعی است.

سرمایه‌ی اجتماعی دارای دو جنبه است؛ یکی جنبه‌ی پیوند عینی و ملموس که شامل شبکه‌های مشارکت اجتماعی است و دوم جنبه‌ی پیوند ذهنی که مربوط به هنجارهای اجتماعی و اعتماد می‌باشد.

شبکه‌ی مشارکت دارای دو نوع پیوند رسمی و غیررسمی است:

- الف) شبکه‌ی غیر رسمی که خود بر دو نوع است: ۱. «درگیری اتفاقی» (Ad hoc) شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومان و افراد خاص تشکیل می‌شود. ۲. «مشارکت پایدار» (Stable-Regular-participation) که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی می‌شود که به صورت مؤسسه و سازمان نیستند؛ ولی نسبتاً دائمی و همیشگی‌اند.
- ب) شبکه‌های رسمی یا نهادی که در برگیرنده‌ی عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوب‌ها با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است و هر فرد، با عضویت رسمی و داوطلبانه در آن تشکیلات داوطلبانه با دیگران ارتباط برقرار و از طریق آن خواسته‌های خود را تعقیب می‌کند (یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

یکی از اساسی‌ترین نیازهای رهبران کشورها در اداره‌ی امور جامعه مشارکت فعال و فراگیر افراد، گروه‌ها، تشکل‌ها و احزاب جامعه در همه‌ی زمینه‌های جاری و برنامه‌ریزی‌های بلند مدت کشور است. مشارکت در همه‌ی سطوح لازمی توسعه‌ی پایدار است. این کار در مرحله شعار و تئوری به ظاهر ساده است؛ اما در مرحله‌ی عمل با دشواری‌های قابل توجهی روبروست. «مشارکت و انگیزش اجتماعی می‌تواند در همه‌ی سطوح خرد، میانی و کلان جامعه انجام پذیرد. وجود مشارکت به لحاظ انتزاعی و نظری بسیار مهم و اساسی است؛ ولی عملی کردن و به اجرا درآوردن مشارکت به سادگی میسر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، خلیقات و روحیات

مردم، تجربیات و واقعیات گذشته و... بر پذیرش یا عدم پذیرش یا نحوه‌ی اجرای مشارکت مؤثرند» (موسوی، ۱۳۸۵، ۶۸).

۵. روش‌شناسی

۱.۵ روش انجام پژوهش

روش انجام این پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی است و ضمن استفاده از تحلیل و توصیف در تبیین شاخص‌های مشارکت از تحلیل‌های کمی و مبتنی بر بسامد و آمار نیز استفاده شده‌است؛ یعنی در هر قسمت با ارائه بسامد کاربرد آن سعی شده‌است، تحلیل‌ها مبنای ریاضی و آماری داشته باشند.

۲.۵ مفاهیم و متغیرهای تحقیق

- مشارکت: مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که به سهم شدن در منابع قدرت منجر می‌شود تعریف کرد (زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱: ۵۹).
- مشارکت دوسویه (هم‌یاری): در این نوع مشارکت انتظار کمک متقابل وجود دارد. و هر دو طرف ذی‌نفع هستند. یاری دهنده و یاری گیرنده همدیگر را می‌شناسند و اغلب به صورت مشارکت «همیارانه درون‌گروهی» است که در سطح بالایی وجود دارد. بنیاد هم‌یاری بر حسن تفاهم و دوستی نهاده شده و بیان‌کننده‌ی احترام متقابل و حس صمیمیت میان کنش‌گران است.
- مشارکت برون‌سویه (دگریاری): دگریاری، کنشی یک سویه، عمودی یا افقی است که میان هم‌ترازان یا ناهم‌ترازان (فراتران و فروتران، توانابان و ناتوانان) جریان می‌یابد. در حالی که هم‌یاری جریانی است دو سویه و افقی است که اغلب میان کسانی که می‌توانند توانایی‌های همدیگر را تکمیل یا کمبودهای یکدیگر را جبران کنند، برقرار می‌شود. به عبارتی تفاوت دگریاری و هم‌یاری تفاوت بخشش با نوعی معاوضه و مبادله است. در مشارکت دگریاری انتظار کمک متقابل از یاری شونده وجود ندارد و در هاله‌ای از خیرخواهی و عواطف مذهبی پیچیده شده‌است.

- - مشارکت اجباری: دانشمندان علوم اجتماعی مشارکت را به «اجباری» و «اختیاری» تقسیم می‌کنند و مشارکت در جوامع سنتی را بر پایه‌ی همکاری اجباری می‌دانند و معتقدند که جامعه‌ی مدرن بر پایه همکاری داوطلبانه استوار است. مشارکت اجباری نوعی هم‌نوایی را در انسان‌ها برمی‌انگیزد که نقطه مقابل مشارکت فعال و خودانگیخته است. این هم‌نوایی قدرت ابتکار، ابداع و خلاقیت را کاهش می‌دهد.

- - مشارکت بر اساس تقسیم کار: برخی معتقدند در گذشته مشارکت در شکل تقسیم کار که امروز در جامعه مدنی وجود دارد، جریان نداشته است. تقسیم کار و تراکم اخلاقی به نوبه‌ی خود از عوامل اصلی گسترش تمدن، یعنی توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی هستند. تعاون یا مشارکت به عمل جمعی در جهت هدف‌های مشترکی اطلاق می‌شود که از سوی افراد به صورت متحد و یا جدا از هم صورت می‌پذیرد.

- - مشارکت ابزاری: در مشارکت ابزاری، اراده‌ی افراد و انگیزه‌ی آنان از معاشرت و مشارکت سود فردی است. اعتقاد بر این است که به مشارکت باید هم به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله و هم یکی از نیازهای اساسی بشر توجه نمود.

- - مشارکت مشورتی: این نوع مشارکت طرف مشورت قرار گرفتن قبل از تصمیم‌گیری است. مشورت نشانه‌ی اهمیت یک نیاز بوده؛ نیازی که انسان اجتماعی به حکم زندگی جمعی به یاریگری دیگران در تصمیم‌گیری‌های خود قایل است. از منظر جامعه‌شناسی اصل مشورت به عنوان یک سنت و روش پسندیده باید در جامعه حکم‌فرما باشد تا خوی استبداد و خودخواهی بر افراد چیره نشود (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۰۱)

وحید قاسمی و همکارانش برای مشارکت سه شاخص را به شرح جدول زیر تعریف کرده‌اند که شامل: مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و انسجام اجتماعی می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

جدول ۱: شاخص‌های مشارکت اجتماعی

ردیف	شاخص‌ها و معنای مفهومی آن	منبع
------	---------------------------	------

<p>- Bullen and Onyx (1998), - Benchmark Survey (2000), - Australian Bureau of Statistics (2003B)</p>	<p>مشارکت اجتماعی: انواع مشارکت که هم برای فرد رضایت به بار می‌آورد و هم عامل شکل‌دهی به روابط و سازنده‌ی شبکه‌های حمایتی بالقوه است؛ مانند دیدار با دوستان و خویشاوندان، شرکت در مراسم شادی و ترحیم هم‌محله‌ای‌ها، رفتن به سینما، پارک، کوه و غیره به صورت دسته‌جمعی).</p>	<p>۱</p>
<p>- Bullen and Onyx (1998), - Rose (1998), - Benchmark Survey (2000), - Australian Bureau of Statistic (2003B), - Grootaert and others (2005)</p>	<p>مشارکت مدنی: فعالیت‌هایی که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، مدیریت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و نیز سازمان‌های غیر دولتی بوده و معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد و تابع مقررات و سلسله‌مراتب است.</p>	<p>۲</p>
<p>Krishna and Shrader (2000), Grootaert and others (2005)</p>	<p>انجام اجتماعی: بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه‌هایی که افراد در آن‌ها عضویت داشته و یا در آن‌ها مشارکت دارند.</p>	<p>۳</p>

۶. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش شبکه (مشارکت) بر اساس تعریف پاتنام شاخص‌سازی شده است. مؤلفه‌ی مشارکت در بعد ساختاری و به عبارت دیگر در بعد سخت‌افزاری سرمایه‌ی اجتماعی قرار دارد و حال آن‌که اشعار بوستان سعدی بیشتر در بعد شناختی یا نرم‌افزاری سرمایه‌ی اجتماعی به حساب می‌آید؛ بنابراین با توسعه‌ی معنایی شاخص مورد نظر در بحث مشارکت اجتماعی به جای مشارکت در سطح محله و مشارکت در تفریح دسته‌جمعی از شاخص مشارکت در سطح همراهی استفاده شد که از نظر نوع و سطح در یک جایگاه قرار می‌گیرند. شاخص‌های مشارکت اجتماعی در این پژوهش شامل: مشارکت اجتماعی در سطح همراهی، مشارکت اجتماعی در امور مذهبی، مشارکت اجتماعی در امور سازماندهی شده است.

از ۴۰۱۱ بیت موجود در بوستان سعدی ۵۱ بیت به مشارکت و مفاهیم آن اشاره دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش که بازتاب سرمایه‌ی اجتماعی در بوستان سعدی است، مشارکت در رتبه آخر بسامدی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی قرار دارد. جمعاً تعداد ۲۳۶ مورد در کتاب بوستان به مفهوم هنجارگرایی و شاخص‌های مختلف آن اشاره دارد. نسبت این تعداد به کل ابیات بوستان ۵/۸۸٪ است. تعداد ۱۰۵ مورد در کتاب بوستان به مفهوم اعتماد و شاخص‌های مختلف آن اشاره دارد، نسبت این تعداد به کل ابیات بوستان (۲/۶۱٪) است و ۵۱ بیت به مشارکت و مفاهیم آن اشاره دارد که تنها ۱/۲۷٪ از ابیات این کتاب را شامل می‌شود.

بسامد شاخص مشارکت اجتماعی در قالب مشارکت در سطح همراهی، مشارکت در امور مذهبی و مشارکت در امور سازماندهی شده در بوستان جمعاً ۴۵ مورد و (۸۸/۲۴) است. این حجم از شاخص‌های مشارکت نشان دهنده‌ی توجه فراوان سعدی به مشارکت اجتماعی است. نتایج این شاخص نشان می‌دهد مشارکت در سطح همراهی با ۲۹ مورد (۵۶/۸۶) بیشترین بسامد را دارد و مشارکت در امور مذهبی و مشارکت در امور سازماندهی شده هر کدام با ۸ مورد (۱۵/۶۹) در جایگاه بعدی بسامدی قرار دارند.

۱.۶ مشارکت اجتماعی

این شاخص خود شامل سه سطح کوچک‌تر می‌شود:

- الف) مشارکت در سطح همراهی: این سطح از مشارکت در بوستان به شرح زیر بازتاب داشته است:

۱. گاهی همراهی و مشارکت در کاری یا موضوعی برای کسب منفعت و بهرمندی از مزایای آن صورت می‌گیرد. در واقع مشارکتی ابزاری است:

تمتع به هر گوشه‌ای یافتم زهر خرمی خوشه‌ای یافتم (۹۸)^۱

۲. سعدی در ضمن حکایتی افراد ناآگاه را به همراهی و مشارکت با افراد آگاه فرامی‌خواند، مشارکتی که برای فرد ناآگاه در واقع یک مشارکت برون‌سویه است. به باور سعدی یکی از نیازهای جامعه ایرانی در هر عصر و زمانی این نوع از مشارکت است، مشارکتی بدون چشمداشت و یاریگرانه و در اصطلاح دگریاری است:

همی یادم آید ز عهد صغر	که عیدی برون آمدم با پدر
به بازیچه مشغول مردم شدم	در آشوب خلق از پدر گم شدم
بر آوردم از هول و دهشت خروش	پدر ناگهانم بمالید گوش
که ای شوخ چشم! آخرت چند بار	بگفتم که دستم ز دامن مدار
به تنها نداند شدن طفل خرد	که مشکل توان راه نادیده برد
تو هم طفل راهی به سعی ای فقیر	برو دامن راه دانان بگیر

(۲۱-۳۸۱۶)

۳. سعدی همراهی و مشارکت را گاهی در حد گفتار و سخن می‌داند. این نوع از مشارکت در واقع مشارکتی مشورتی است نه عینی و رفتاری و زمانی هم مشارکت در خیال واقع می‌شود. این مشارکت گاه برای همدمی و دلداری دادن به کسی صورت می‌گیرد:

به اسبان تازی و مردان مرد برآر از نهاد بداندیش گرد (۱۰۱۳)
بگفت ار نهی با من اندر میان چو یاران یکدل بکوشم به جان (۱۴۲۶)
رقیبان خبر یافتندش ز درد دگر باره گفتندش اینجا مگرد (۱۶۶۳)

۴. همراهی و مشارکت در مرحله‌ی عمل در زبان سعدی در بیان شجاعت و عمل کسانی است که با مشارکت عینی زمینه‌ی موفقیت خود را فراهم می‌نمایند. این نوع از همراهی مشارکت دوسویه است:

شجاعت نیاید مگر زان دو یار که افتند در حلقه‌ی کسارزار
دو همجنس همسفره‌ی همزبان بکوشند در قلب هیجا به جان (۱۰۶۵-۶)

۵. سعدی در بیان تشویق به مشارکت می‌گوید: به جای آن‌که در ثمره‌ی کار دیگران و دسترنج آنان سهیم شوی، کاری بکن که دیگران از حاصل کار تو بهره‌مند شوند؛ در واقع سعدی به مشارکت و همراهی برون‌سویه تشویق می‌کند و می‌گوید تو دسترنج خود را با مشارکت آنان استفاده کن، نگاه سعدی به این نوع از مشارکت نگاهی عاطفی و برگرفته از تعالیم بلند اسلامی و ملی ایرانیان است که دگریاری و کمک بی‌چشمداشت به دیگران را توصیه می‌نمایند:

به چنگ آر و با دیگران نوش کن نه بر فضله‌ی دیگران گوش کن (۱۳۶۴)
من اندر قفای تو می‌تاختم ز خدمت به نعمت نپرداختم (۱۸۳۰)

۶. گاهی مشارکت در سطح همراهی مشارکتی داوطلبانه است؛ اما نه برای بهره‌مندی از مزایا و نه در مرحله شعار و یا خودنمایی؛ بلکه داوطلب، مشارکت و همراهی خود را به خاطر انگیزه‌های دیگر خواهان است. مشارکتی برون‌سویه است. مشارکتی که سبب تقویت بنیان‌های عاطفی و نیز همبستگی یک جمع می‌گردد. حکایت دختر حاتم در روزگار پیغمبر (ص) نمونه‌ی از این نوع مشارکت است که وقتی سپاه اسلام منطقه‌ی طی را تصرف کردند و آن‌ها به پیامبر ایمان نیاوردند و دستور قتل و عام آنان صادر شد. زنی گفت: من دختر حاتم! پدرم اهل کرم بود و شفاعت مرا از این حاکم بخواهید تا در حق من کرم کند! به

دستور پیامبر بخشیده می‌شود؛ اما زمانی که قومش را از دم شمشیر می‌گذرانند، آن زن به شمشیرزن گفت بیا و مرا نیز بزن! زیرا این عدم همراهی من از جوانمردی به دور است. و این تدبیر و مشارکت سبب رهایی و بخشودگی قومش از مرگ شد و پیامبر آن‌ها را بخشید:

بزاری به شمشیر زن گفت زن مرا نیز با جمله گردن بزن
مروت نیستم رهایی ز بند به تنها و یارنم اندر کمند (۶-۱۴۵۵)

۷. گاه شیخ شیراز مخاطب را به مشارکت در عمل فرا می‌خواند و معتقد است اگر چه نمی‌توانی پا به پای دیگران مشارکت و همراهی داشته باشی؛ اما به اندازه‌ی توان و ظرفیت خود مشارکت داشته باش، در واقع مشارکت دوسویه مورد نظر سعدی است:

چو از چابکان در دویدن گرو نبردی، هم افتان و خیزان برو
گر آن بادپایان برفتند تیز تو بی‌دست و پی از نشستن بخیز (۹-۳۶۳۸)

۸. سبب مشارکت برون‌سویه که نشانه‌ای از عاطفی بودن روابط اجتماعی است، در نگاه و اندیشه‌ی سعدی گاهی در عشق و جاذبه‌هایی عشق نمایان است:

بدان زهره دستت زدم در رکاب که خود را نیاوردم اندر حساب (۱۶۸۵)
مگر پیش دشمن بگویند و دوست که این کشته دست و شمشیر اوست (۱۷۲۸)
بگفتا مپرس از من این ماجری پسندیدم آنچه او پسندد مرا (۱۸۱۳)
شبی دعوتی بود در کوی من ز هر جنس مردم در او انجمن
چو آواز مطرب برآمد ز کوی به گردون شد از عاشقان های وهوی (۵-۳۱۷۴)

۹. گاهی طلب مشارکت در سطح همراهی برای رسیدن به مقصودی در کلام شیخ مطرح می‌شود و در قالب مشارکت دوسویه ارائه می‌شود:

بیا تا در این شیوه چالش کنیم سر خصم را سنگ، بالش کنیم (۲۵۰۷)
تو با دوست یکدل شو و یک سخن که خود بیخ دشمن برآید زین (۳۷۸۵)

۱۰. مشارکت عامل تقویت و نیرومندی و اعتماد به نفس است. سعدی این نوع از مشارکت را که از نوع همپاری یا مشارکت دوسویه است، این گونه بیان می‌کند:

از آن گه که یارم کس خویش خواند دگر با کسم آشنایی نماند (۱۶۹۶)
به حقش که تا حق جمالم نمود دگر هر چه دیدم خیالم نبود (۱۶۹۷)

ب) مشارکت در امور مذهبی: برای مشارکت در امور مذهبی و دینی در میان ادیان و ملل گوناگون شیوه‌ها و سبک‌های مختلفی وجود دارد که به شکل آیین و سنن خاص هر مسلک اجرا می‌گردد. این گردهمایی و اجرای سنن و دستورات دینی چه در قالب گروهی و چه فردی دستاوردهای بزرگی برای انسجام اجتماعی و تحکیم مبانی زندگی اجتماعی دارد. سعدی برای مشارکت اجتماعی در حوزه‌ی امور مذهبی گاهی مشارکت را در پیمودن راه خدا و انبیا و اولیا می‌داند و راه رستگاری را طی آن طریق معرفی می‌کند؛ یعنی مشارکتی در قالب اعتقادات مذهبی و برون‌سویه مورد نظر اوست:

محال است سعدیا که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی (۶۷)
به طاعت بنه چهره بر آستان که این است سرجاده‌ی راستان (۱۹۸)
تو هم گردن از حکم داور مپیچ که گردن نییچد ز حکم تو هیچ (۲۱۳)
ره این است، روی از طریقت متاب بنه گام و کامی که داری بیاب (۲۱۶)
چرا اهل دعوا بدین نگروند که ابدال به آب و آتش روند؟ (۱۸۴۵)

گاهی این مشارکت مذهبی در بیان سعدی در قالب دعا و طلب است و از نوع مشارکت ابزاری است:

بخوان تا بخواند دعایی برین که رحمت رسد ز آسمان برین (۷۶۹)
گروهی سوی کوهساران شدند به فریاد خواهان باران شدند
گرسند و از گریه جویی روان بیاید مگر گریه‌ی آسمان (۲-۲۴۸۱)

ج) مشارکت در امور سازماندهی شده: امور سازماندهی شده اموری است که در قالب یک تشکیلات فعالیتت جمعی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. مشارکت در چنین برنامه‌هایی از قبیل گردهمایی‌ها، جشنواره‌ها، همایش‌ها و جلسات انجمن‌ها را در بر می‌گیرد. طبیعی است که چنین تشکیلاتی در زمان سعدی وجود نداشته‌است و برای تبیین این شاخص، باید بیان و اندیشه‌ی سعدی را در اموری که مرتبط با تشکیلات و امور حاکمیتی و فعالیت‌های گروهی است، در نظر گرفت و بررسی نمود. سعدی شرط پذیرش لشکریان را توسط شاه، مشارکت فعال و پیوسته‌ی لشکری در ادای

خدمت می‌داند. این نوع از مشارکت که مشارکتی کارکردگرایی است در زمره‌ی مشارکت دوسویه است:

وگر ترک خدمت کند لشکری شود شاه لشکرکش از وی بری (۱۲)

سعدی نمونه‌ی بارز مشارکت سازماندهی‌شده را براساس تمثیل فعالیت و مشارکت اعضای بدن که نوعی مشارکت اجباری است، توصیف می‌کند:

که بی‌گردش کعب و زانو و پای نشاید قدم برگرفتن ز جای (۳۴۴۷)
بین تا یک انگشت از چند بند به صنّع الهی به هم درفکنند (۳۳۴۴)
دو صد مهره در یکدگر ساخته‌است که گل‌مهره‌ایچون تو پرداخته‌است

رگت بر تن است ای پسندیده خوی زمینی در او سیصد و شصت جوی
بصر در سر و فکر و رای و تمیز جوارح به دل، دل به دانش عزیز (۳۳۴۹-۵۱)

سعدی به رسم سازماندهی‌شده و دقیق شاهان عرب اشارتی دارد که ناشناس در بازار و کوی می‌گشتند و از اوضاع کشور و همراهی یا عدم همراهی مردم با حکومتشان با خبر می‌شدند. این گونه مشارکت و همنشینی با مردم که به قصد بهره‌مندی از منافع سیاسی خودشان بوده‌است از نوع مشارکت برون‌سویه است:

ملک صالح از پادشاهان شام برون آمدی صبحدم با غلام
بگشتی در اطراف بازار و کوی به رسم عرب نیم بر بسته روی (۲۲۹۲-۳)

سعدی توصیف مشارکت در میدان نبرد را به شکل سازماندهی‌شده‌ای بیان می‌کند. اسبی که مانند ابر برانگیخته می‌شود، باران شمشیرش بازیدن می‌گیرد و تلاقی دو لشکر بسان برهم خوردن زمین و آسمان می‌شود و طوفان مرگ وزیدن می‌گیرد. در برخورد با سوران دشمن سپر در سپر می‌شود و با تیر و نیزه موی می‌شکافد ولی چون سعادت با وی یار نیست از پیروزی باز می‌ماند، این نوع توصیف مشارکت امور مختلف از نوع مشارکت دوسویه است:

چو ابر اسب تازی برانگیختیم
چو باران بلالک فرو ریختیم
دو لشکر به هم بر زدند از کمین
تو گفتی زدند آسمان بر زمین

زباریدن تیر همچون تگـرگ
به هر گوشه برخاست طوفان مرگ (۴-۲۵۵۲)
سوران دشمن چو دریافتیم
پیاده سپر در سپر بافتیم
به تیر و سنان موی بشکافتیم
چو دولت نبد روی برتافتیم (۸-۲۵۵۷)

۲.۶ انسجام اجتماعی

در تعریف عملیاتی این شاخص می‌توان به موارد اهمّیت دادن به یکدیگر و صرفاً به فکر خود نبودن، احترام به حقوق و اموال دیگران، وجود روابط محبت‌آمیز و انسان دوستانه در جامعه و برابر بودن در مقابل قانون اشاره نمود. بسامد این شاخص در بوستان سعدی با ۶ مورد و ۱۱/۷۶٪ بعد از مشارکت اجتماعی در جایگاه دوم شاخص‌های مشارکت قرار دارد. این میزان توجه سعدی به انسجام اجتماعی نشانه‌ای از دانایی و نگاه مصلحانه و جامع‌نگر سعدی به اوضاع اجتماعی است. سعدی به فکر دیگران بودن و رعایت حال رعیت کردن را از مبانی استحکام انسجام اجتماعی می‌داند و معتقد است که پادشاهی به‌سان درخت تناوری است که رعیت ریشه‌های این درخت‌اند و بی‌شک هر درختی با ریشه‌اش زنده است حاکمان را از ناخشنودی رعیت برحذر می‌دارد، چون پشت و پناه حکومت آنان هستند. این نوع از مشارکت حاکم و رعیت از نوع مشارکت دوسویه است:

رعیت چو ببخند و سلطان درخت
درخت ای پسر باشد از بیخ سخت (۲۲۳)
رعیت نشاید به بیداد کشت
که مرسلطنت را پنهاند و پشت (۲۳۶)

برای اهمّیت دادن به یکدیگر و با هم بودن سعدی تمثیلی زیبا از همایش موران را می‌آورد که در لوای باهم بودن فغان از شیران جنگی برمی‌آورند. او نه مور که مو را نیز مثال می‌زند که وقتی موها با هم بافته شوند، مانند زنجیری مستحکم و قوی می‌شود، به نوعی مشارکت اجباری اشاره دارد:

نبینی که چون با هم آیند مور
ز شیران جنگی برآرند شور
نه موری که مویی کز آن کمترست
چو پر شد ز زنجیر محکم‌ترست (۷-۵۹۶)

حکایت سفر هندوستان شیخ و دیدن بتی که مغان از اطراف و اکناف برای زیارت و پرستش آن می‌آمدند، نمونه‌ای از مشارکت ایزاری است که سبب انسجام اجتماعی آن جماعت است. شیخ از یکی از مغان که دوست و همنشین او بوده دلیل بت‌پرستی آن‌ها را جویا می‌شود:

براین گفتم آن دوست دشمن گرفت چو آتش شد از خشم و در من گرفت
مغان را خبر کرد و پیران دیر ندیدم در آن انجمن روی خیر
فتانند گبران پازند خون چوسگ در من از بهر آن استخوان (۹-۳۴۸۷)

شیخ چاره کار را در آن می‌بیند که از بزرگ مغان بخواهد که او را راهنمایی کند تا به کمال این بت پی ببرد و او هم می‌گوید، این تنها بتی است که سحرگاه دست به درگاه خدای بلند می‌کند و از سعدی می‌خواهد سحر بپا خیزد و نظاره‌گر این اوضاع باشد و سعدی از سختی گذران آن شب خود می‌گوید و اینکه سحر همه مغان برای دیدن بت به آن جا آمدند:

مغان تبه رای، ناشسته روی به دیر آمدند از در و دشت و کوی
کس از مرد در شهر و از زن نماند در آن بتکده جای درزن نماند (۶-۳۵۱۵)

۳.۶ مشارکت مدنی

چیزی که امروزه از آن به عنوان مشارکت مدنی یاد می‌شود در برگیرنده‌ی مفاهیم مشارکت در قالب سنت‌های مدنی؛ نظیر عضویت و مشارکت در انجمن‌های خیریه، قرض‌الحسنه‌های فامیلی، هیأت‌های مذهبی و عضویت در گروه‌های فرهنگی نظیر گروه‌های هنری و کانون‌ها و الگوهای جدید مشارکت نظیر سازمان‌های غیر دولتی، تشکل‌های سیاسی و تیم‌های ورزشی و... می‌گردد. این مصداق در شعر سعدی وجود ندارد و در آن زمان چنین تشکل‌هایی و سازمان‌های مردم‌نهادی وجود نداشته‌اند؛ بنابراین بسامد این شاخص در شعر سعدی صفر است.

در ادبیات علوم اجتماعی مشارکت‌کنشی اجتماعی است که کارکنش‌گران را برای رسیدن به اهدافشان تسهیل می‌کند. مشارکت نقش اول و اساسی در تشکیل گروه و سازمان را دارد و پاتنام وجود مشارکت اجتماعی را برای جوامع لازم و ضروری می‌داند و از آن

به عنوان یکی از مؤلفه های توسعه ساز یاد می کند. مشارکت در یک جمع بندی کلی دارای این ویژگی ها و کارکردهاست: تقسیم کار، مسئولیت پذیری، هماهنگی فعالیت ها، برخورداری همه از کار جمعی، سهم شدن در قدرت، کوشش سنجیده ی گروه ها برای به دست گرفتن امور زندگی برای بهبودی آن، ایجاد فرصت برای گروه های فرودست، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، گسترش ارزش های دموکراتیک و همکاری کردن در انجام کارها (محسنی، ۱۳۹۲: ۱-۱۰۰). مشارکت و روحیه مشارکت داشتن از بسامد مناسبی در شعر سعدی برخوردار است. مشارکت نیاز بشر است و در ادوار مختلف حیات بشری وجود داشته است. در کشور ما از جوامع سنتی تا مدرن امروزی مشارکت در شکل و نمودهای مختلف ظهور و حضور داشته است و این حضور را امروز به عنوان نمود یک مؤلفه از مؤلفه های سرمایه ی اجتماعی در بوستان سعدی می بینیم.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد انواع مشارکت در بوستان سعدی

انواع مشارکت	فراوانی	درصد
مشارکت برون سویه	۱۹	۳۷/۲۴
مشارکت درون سویه	۱۲	۲۳/۵۳
مشارکت ابزاری	۹	۱۷/۶۵
مشارکت مشورتی	۷	۱۳/۷۳
مشارکت اجباری	۴	۷/۸۴
مشارکت براساس تقسیم کار	۰	۰
جمع	۵۱	٪۱۰۰

حدود ۳۷/۲۴٪ از کل انواع مشارکت در بوستان به مشارکت برون سویه یا دگریاری اختصاص دارد.

جدول ۳. میزان نمود مشارکت در ابواب مختلف بوستان

ردیف	نام باب	تعداد	درصد
۱	دیباچه	۶	۱۱/۷۶
۲	در عدل و تدبیر و رای	۸	۱۵/۶۹
۳	در احسان	۷	۱۳/۷۳
۴	در عشق و مستی و شور	۱۰	۱۹/۶۱

۷/۸۴	۴	در تواضع	۵
۵/۸۸	۳	در رضا	۶
۱/۹۶	۱	در قناعت	۷
۳/۹۲	۲	در عالم تربیت	۸
۱۱/۷۶	۶	در شکر بر عاقبت	۹
۷/۸۴	۴	در توبه و راه صواب	۱۰
۰	۰	در مناجات و ختم کتاب	۱۱
٪۱۰۰	۵۱	جمع	

براساس داده‌های جدول جمعاً تعداد ۵۱ مورد از ابیات بوستان در بردارنده‌ی مفهوم مشارکت هستند. بیشترین تعداد ابیات مشارکت به ترتیب متعلق به باب سوم (۱۹/۶۱٪)، باب اول (۱۵/۶۹٪) و باب دوم (۱۳/۷۳٪) است و بعد در دیباچه و باب هشتم هر کدام با (۱۱/۷۶٪) قرار دارد. در مابقی ابواب بوستان کمتر از ۸٪ کل ابیات مشارکت برای هر باب مشاهده شده‌است. به این ترتیب ۴۹٪ از ابیات مشارکت فقط در باب‌های اول دوم و سوم حضور دارند. کمترین درصد صفر متعلق به باب دهم است.

جدول ۴. بسامد شاخص‌های مشارکت در بوستان

ردیف	شاخص	بسامد	درصد
۱	مشارکت اجتماعی	در سطح همراهی	۲۹
		امور مذهبی	۸
		امور سازماندهی شده	۸
۲	انسجام اجتماعی	۶	۱۱/۷۶
۳	مشارکت مدنی	۰	۰
	جمع	۵۱	٪۱۰۰

طبق اطلاعات جدول مشارکت در سطح همراهی با ۲۹ مورد (۵۶/۸۶٪) بالاترین بسامد را داشته و بعد از آن مشارکت در امور مذهبی و مشارکت در امور سازماندهی شده هر کدام با ۸ مورد (۱۵/۶۹٪) در جایگاه دوم قرار دارند. انسجام اجتماعی با ۶ مورد (۱۱/۷۶٪) در جایگاه سوم است، مشارکت مدنی با ۰ مورد (۰٪)، کم‌ترین نمود شاخص‌های مشارکت را داشته‌اند. همچنین نشان می‌دهد، اختلاف میان درصدها به بیش از ۵۶٪ می‌رسد. شاخص مشارکت در سطح همراهی به تنهایی نزدیک به ۵۷٪ کل نمود شاخص‌های مشارکت را داشته‌اند. مشارکت

در سطح همراهی در شعر سعدی گاه در کاری یا موضوعی برای کسب منفعت و بهرمندی از مزایای آن صورت می‌گیرد. در واقع مشارکتی دوسویه است. همراهی و مشارکت طرح شده در کتاب بوستان گاهی مشارکتی ذهنی است و در حد گفتار و سخن بیان می‌شود. این نوع از مشارکت در واقع عینی و رفتاری نیست؛ بلکه در خیال واقع می‌شود و زمانی نیز همراهی و مشارکت در مرحله عمل در زبان سعدی برای بیان شجاعت و عمل کسانی است که با مشارکت عینی زمینه‌ی موفقیت خود را فراهم می‌نمایند. این شاخص در شعر بوستان زمانی هم برای بیان تشویق به مشارکت و همراهی نمود پیدا می‌کند. انگیزه‌ی مشارکت در سطح همراهی در نظر سعدی گاهی عشق و جاذبه‌هایی عشق است. در نظر سعدی توجه به مشارکت و همراهی در انجام امور اساسی‌ترین شاخص مشارکت است.

مشارکت در امور مذهبی و مشارکت در امور سازماندهی شده هم شاخص‌هایی برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی هستند. سعدی برای مشارکت اجتماعی در حوزه امور مذهبی گاهی مشارکت را در پیمودن راه خدا و انبیا و اولیا می‌داند و راه رستگاری را در طی آن طریق معرفی می‌کند و زمانی هم این نوع از مشارکت در بیان سعدی در قالب دعا و طلب نمود می‌یابد. در مقوله مشارکت سازماندهی شده نیز برای تبیین این شاخص بیان و اندیشه سعدی در اموری که مرتبط با تشکیلات و امور حاکمیتی و فعالیت‌های گروهی است، مورد بررسی قرار گرفته است. سعدی شرط پذیرش توسط شاه لشکر را مشارکت فعال و پیوسته لشکری در ادای خدمت می‌داند و زمانی هم به رسم شاهان عرب اشارتی دارد که ناشناس در بازار و کوی می‌گشتند و از اوضاع کشور به شکل واقعی با خبر بودند. سعدی در بوستان تکیه بیشتری بر این دو شاخص داشته و بیش از ۳۱. شاخص‌های مشارکت را در خود دارند. در مرحله‌ی بعد انسجام اجتماعی به عنوان شاخص مشارکت آفرین مد نظر سعدی قرار داشته، توجه سعدی به انسجام اجتماعی نشانه‌ای از دانایی و نگاه مصلحانه‌ی و جامع‌نگر سعدی به اوضاع اجتماعی است. پادشاهی یک حکومت از نظر سعدی به‌سان درخت تناوری است که رعیت ریشه‌های این درخت هستند و بی‌شک هر درختی با ریشه‌اش زنده است و دوام دارد و حاکمیت را از ناخشنودی رعیت برحذر می‌دارد. پس اصلی‌ترین شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی از نظر وی این چهار مورد است و مشارکت مدنی چون مصادیق آن در آن زمان وجود نداشته است، می‌توان گفت: از نظر او اهمیتی نداشته است.

۷. نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی به عنوان یک چتر مفهومی بیانگر ویژگی‌ها، کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در یک جامعه است؛ بنابراین از منظر مطالعه سرمایه اجتماعی در بوستان سعدی می‌توان به مختصات کمی و کیفی کنش و روابط اجتماعی به عنوان یکی از کانونی‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی و یکی از مؤلفه‌های مهم حیات و ساختار اجتماعی جامعه ایرانی در عصر سعدی دست یافت. این تحقیق ضمن مرور نظریه‌های موجود درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی - کلمن، بوردیو، فوکویا - با تمرکز بر نظریه‌ی پاتنام به بررسی مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در بوستان سعدی پرداخته است.

از بررسی ۴۰۱۱ بیت موجود در بوستان سعدی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۵۱ بیت به مشارکت و مفاهیم آن اشاره دارد که تنها ۱/۲۷٪ از ابیات این کتاب را شامل می‌شود. این آمار بیانگر این است که در جامعه آرمانی سعدی همکاری‌های جمعی و مشارکتی در سطح بسیار پایینی ترسیم شده است. در رتبه‌ی بسامدی در میان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت بعد از هنجارگرایی و اعتماد قرار دارد. شاخص‌های این مؤلفه در قالب مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی بررسی شده است. شاخص مشارکت اجتماعی با ۴۵ مورد و ۸۸/۲۴٪ بیشترین نمود شاخص‌ها را داراست و انسجام اجتماعی با ۶ مورد و ۱۱/۷۶٪ در رتبه بعدی قرار دارد، مشارکت مدنی در ادبیات آن زمان بازتاب و انعکاسی نداشته است. از میان انواع مشارکت بازتاب یافته در بوستان سعدی، مشارکت برون‌سویه (دگریاری) با ۱۹ مورد و ۳۷/۲۴٪، مشارکت درون‌سویه (همیاری) با ۱۲ مورد و ۲۳/۵۳٪، مشارکت ابزاری با ۹ مورد و ۱۷/۶۵٪، مشارکت مشورتی با ۷ مورد و ۱۳/۷۳٪ و مشارکت اجباری با ۴ مورد و ۷/۸۴٪ به ترتیب دارای بیشترین بسامد هستند. یافته‌ها بنا بر نظریه‌ی پاتنام بیشتر بیانگر نوعی سرمایه‌ی اجتماعی اتصالی - برون‌گروهي است که با مختصات دنیای آرمانی - اخلاقی تصویر شده بوستان سعدی که در پارادایم ادبیات تعلیمی می‌گنجد، سازگار است. از جانب دیگر یافته‌ها نشان می‌دهند که مشارکت بر اساس تقسیم کار - مشارکت تخصصی - دارای بسامد صفر بوده است و این یافته با ویژگی‌های جامعه تمایز نیافته عصر سعدی هم‌خوانی دارد. بسامد ۷/۸۴ درصد مشارکت اجباری در بوستان بیانگر ساختار سیاسی حاکم - رعیتی عصر سعدی است که با مشارکت داوطلبانه به عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی مدرن کاملاً متفاوت می‌باشند. در دنیای آرمانی سعدی، نوع غیر انتفاعی یا غیر ابزاری مشارکت مرکب از انواع برون‌سویه و درون‌سویه با ۶۰/۷۷

نسبت به نوع ابزاری مشارکت ۱۷/۶۵ داری اختلاف قابل توجه است که با سیاق تعلیمی این اثر مطابقت دارد.

سعدی در بوستان بر بعد عینی سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت تأکید داشته است که با یافته (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲) دال بر پر بسامد بودن مشارکت برون سویه همسو است. مشارکت انعکاس یافته در بوستان در سطح خُرد مشارکت ارزیابی می‌شود؛ یعنی مشارکت فرد برای بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی است. مشارکت اجتماعی ایده‌ال از نظر سعدی از نوع مشارکت برون سویه (دگریاری) است که بالاترین بسامد را در بوستان داشته است و نشانه‌ای از جامعه‌ی عاطفی مطلوب سعدی است که کمک به دیگران بدون چشم‌داشت و نیز همراهی و همدلی را که از آموزه‌های ملی و اسلامی ایرانیان بوده ترویج می‌نماید و بر این موضوعات تکیه و تأکید دارد چون سبب تقویت نشاط اجتماعی و هم‌بستگی ملی می‌شود. بوستان اثری ادبی و تعلیمی است و برای انتقال اخلاقیات و ارزش‌های مادی و معنوی بسیار ارزشمند است و می‌تواند در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی برای جامعه ایرانی کمک مؤثری باشد.

پی‌نوشت

۱. شماره‌هایی که داخل پرانتز بعد از ابیات می‌آید، شماره بیت یا ابیات مورد نظر است که بر اساس متن بوستان سعدی تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ دوازدهم آمده است.

کتاب‌نامه

احمدی انارمرزی، ارسلان (۱۳۹۰)، «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاد ناصر خسرو» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، استاد راهنما مرتضی محسنی، دانشگاه بابلسر. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.

انوری، حسن (۱۳۹۳)، فرهنگ روز سخن، انتشارات سخن، چاپ نهم.

پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، روزنامه سلام. (۱۳۸۹). «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی» مجموعه مقالات

سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، چاپ سوم، تهران: شیرازه.

_____ (۱۳۹۲)، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۹)، سرمایه‌های اجتماعی، انتشارات شیرازه، چاپ سوم.
رکابداری، لیل (۱۳۹۰) بررسی مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی در داستان نامه بهمیناری، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محسنی، مرتضی، بابلسر، دانشگاه مازندران.

زارع شاه‌آبادی، اکبر و محمد نوریان نجف (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، دو فصل نامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره اول، صص ۴۷-۶۹.

جاوید، محمدجواد و اصغر ایزدی جبران (۱۳۸۹)، سرمایه‌های اجتماعی و وضعیت آن در ایران، انتشارات مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

خلیلی، محسن (۱۳۸۷)، «سرمایه‌های اجتماعی در تاریخ بیهقی»، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهل و یکم، شماره بی در پی ۱۶۰ صص ۷۳-۱۵۱.

خوردادی، طاسکوه، علی (۱۳۸۹)، «سرمایه‌های اجتماعی و آموزش سرمایه‌ها»، سرمایه‌های اجتماعی و وضعیت آن در ایران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۹۳) بوستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ دوازدهم، تهران: خوارزمی.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم (بررسی سرمایه‌های اجتماعی و حفظ آن)، مترجم: غلام عباس توسلی، تهران انتشارات جامعه‌ایرانیان.

فیروزآبادی، سیداحمد و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵)، «سرمایه‌های اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی در کلان شهر تهران»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۲۲۴-۱۹۷.

فیلد، جان (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، ترجمه احمدرضا اصغر پور، مشهد: دانشگاه فردوسی.

-قاسمی، وحید و همکاران (۱۳۸۵)، «سطح بندی سرمایه‌های اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان» رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۲۲۵-۴۸.

کوئن، بروس (۱۳۷۰)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر فرهنگ معاصر.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز، چاپ ششم.

متفکرآزاد، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌های اجتماعی و بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران» دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال سوم، شماره اول، صص ۱۶۳-۱۳۹.

محسنی، مرتضی (۱۳۹۲)، «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت در ضرب المثل‌های داستان نامه‌ی بهمیناری» فصلنامه مطالعات توسعه فرهنگی اجتماعی، دوره دوم، شماره ۱، صص ۱۲۷-۱۰۱.

علی گراوند و دیگران ۱۰۱

مشایخی، حمید رضا و ارسلان احمدی انارمرزی (۱۳۹۰)، «نقد سرمایه‌ی اجتماعی و ضد سرمایه‌ی اجتماعی در شعر داروگ و آی‌آدم‌هاینما و سرود باران بدر شاکر سیاب» مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲، صص ۶۶-۱۳۹.

موسوی، میر طاهر (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی» رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۹۲-۶۷.

نصراصفهانی، علی و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان (بارویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی)» مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، شماره ۱ (پیاپی ۴۱)، صص ۱۳۴-۱۰۷.

یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهران» رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۰۴-۸۵.

Putnam.R.D,(2000),Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. New York: SI

